


Journal of
Comparative Law Review
(JCL)

DOI: 10.22059/jcl.2022.335657.634288

**Comparative Study of the principle of Numerus
Clausus in the intellectual property rights**

Mehdi Zahedi¹  | Ebrahim Chavoshi Lahrood² 

1. Corresponding Author; Associate Professor of Public and International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: m_zahedi@atu.ac.ir
2. Ph.D. Student in in Private Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: chavoshiebrahim@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Paper Research: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2021/12/15</p> <p>Accepted: 2022/05/29</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Exhaustion Doctrine, Intellectual Property, In-Rem Rights, Numerus Clausus Principle, Tragedy of the Anti-Commons, The Principles of Unity in property.</i></p>	<p>In the property of the physical assets, the legal interests that individuals can have in relation to assets, as well as its methods of conveyance are in limited numbers and specified molds. The issue, referred to as the principle of the Numerus Clausus, has been accepted in both civil law and common law systems. In our country, without mentioned principal under this title, its nature has been accepted. In recent decades, propertization is one of the impressive developments in the field of intellectual property rights and the question is whether, in this area, such as the property of physical assets, the principle of Numerus Clausus is applied or not? Therefore, in this research, while explaining the principle of Numerus Clausus and its justification, the necessity and method of its application in the field of intellectual property rights were investigated by descriptive-analytical method based on library studies and determined that the principle is not uniformly applied in the field of intellectual property rights and the standardization of intellectual property rights interests will be useful to the extent that there is a balance between the costs of restricting intellectual property owners in creating new property interests and the benefits of applying the Numerus Clausus.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Zahedi, Mehdi; Chavoshi Lajrood, Ebrahim (2022). Comparative Study of the principle of Numerus Clausus in the intellectual property rights. <i>Comparative Law Review</i>, 13 (2), 553-575.</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press. </p>

مطالعات حقوق تطبیقی

سال ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶
پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۵۵۳-۵۷۵

DOI: 10.22059/jcl.2022.335657.634288

بررسی تطبیقی اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت فکری

مهدی زاهدی^۱ | ابراهیم چاوشی لاهرود^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: m_zahedi@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: chavoshiebrahim@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در مالکیت بر اموال فیزیکی علاقه‌های حقوقی که اشخاص می‌توانند نسبت به اموال داشته باشند و نیز روش‌های انتقال آن، تعداد محدود و قالب‌های مشخصی دارد. این موضوع که از آن با عنوان اصل تعداد محدود (Numerus Clausus principle) یاد می‌شود در هر دو نظام حقوقی نوشته و کامن‌لا پذیرفته شده است. در حقوق ایران نیز بدون اینکه اصلی تحت این عنوان تصریح شده باشد، ماهیت آن مورد پذیرش قرار گرفته است. با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر مالکیت‌گرایی در حقوق مالکیت فکری تحولی چشمگیر داشته، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا در این حوزه نیز مانند مالکیت بر اموال فیزیکی، اصل تعداد محدود اعمال می‌شود یا خیر؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش، اصل تعداد محدود و مبانی توجیهی آن، ضرورت و نحوه اعمال آن در حوزه حقوق مالکیت فکری با روشی توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای بررسی گردید و این نتیجه به‌دست آمد که اصل یادشده به‌طور یکنواخت در حوزه حقوق مالکیت فکری اعمال نمی‌شود و استانداردهای علاقه‌های حقوق مالکیت فکری تا نقطه‌ای مفید خواهد بود که بین هزینه‌های ناشی از محدود کردن مالکان اموال فکری در ایجاد علاقه‌های مالکیتی جدید و منافع ناشی از اعمال اصل تعداد محدود تعادل برقرار باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸	
کلیدواژه‌ها: اصل تعداد محدود، اصل یکپارچگی مالکیت، فاجعه ضد مشترکات، حقوق عینی، دکترین استیفای حق، مالکیت فکری.	
استناد	زاهدی، مهدی؛ چاوشی لاهرود، ابراهیم (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت فکری. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳ (۲)، ۵۷۵-۵۵۳.
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



مقدمه

با ظهور عصر ارتباطات و شکل‌گیری اقتصادهای دانش‌بنیان، دارایی‌های فکری بخش قابل‌توجهی از سرمایه شرکت‌های تجاری را به خود اختصاص داده و حقوق مالکیت فکری به‌عنوان تنها مکانیسم حمایت مؤثر حقوقی از این نوع دارایی‌ها، بیش‌ازپیش حائز اهمیت شده است. از آنجایی که به لحاظ حقوقی حد‌اعلای علاقه حقوقی قابل‌تصور بین یک شخص و یک شیء یا پدیده، همان مالکیت در مفهوم سنتی آن است، گرایش جدی برای تسری مالکیت سنتی به دارایی‌های فکری به‌وجود آمده است. با وجود این، نظر به اینکه حقوق مالکیت فکری در جهت تشویق خلق پدیده‌های فکری پایه‌گذاری شده است و معیارها و محدودیت‌های حمایتی آن نیز بر مبنای برقراری تعادل میان منافع جامعه و پدیدآورندگان تعیین می‌شود، به‌رغم طرح دیدگاه‌های مالکیتی، مبانی یادشده همچنان معتبر و واجد آثار مهمی است. در حقوق مالکیت، نوع حقوقی که یک شخص می‌تواند نسبت به یک مال داشته باشد و همچنین قالب‌های انتقال آن کاملاً مشخص شده است و اشخاص، خارج از این چارچوب‌ها نمی‌توانند توافق کنند و یا اینکه نوع خاص یا جدیدی از حق را به‌وجود آورند. این موضوع که از آن تحت عنوان اصل تعداد محدود یاد می‌شود به‌عنوان عنصر ساختاری و اساسی حقوق مالکیت در همه کشورهای نظام حقوقی نوشته و کامن‌لا عملی شده و می‌توان گفت ویژگی جهانی همه نظام‌های مالکیتی مدرن است (Davidson, 2008: 1603). با وجود این، اصل تعداد محدود مثل هر اصل دیگری، بعضاً با استثناهایی روبرو بوده است که از آن جمله می‌توان به رأی دیوان عالی کشور فرانسه در پرونده «کالکلار» به سال ۱۸۳۴ اشاره کرد که در آن با این استدلال که قانون ممنوعیتی برای ایجاد حقوق عینی جدید قائل نشده، باور بر این است که اشخاص می‌توانند به‌موجب قرارداد، حقوق عینی جدیدی را ایجاد نمایند. همان‌طور که گفته شد، صدور چنین آرای جنبه استثنا داشته و در عمل استقبال چندانی از آن نشده است (قنواتی، ۱۳۹۶: ۱۳۹؛ Reboul-Maupin, 2008: 106). هرچند در کشور ما اصلی تحت این عنوان شناسایی نشده، لیکن در حوزه حقوق عینی عقیده بر این است که اشخاص نمی‌توانند نوع جدیدی از حق عینی را به‌وجود آورند. این نگرش در حقوق مالکیت به‌عنوان بارزترین نوع حق عینی نیز مطرح است؛ چه اینکه ماده ۲۹ قانون مدنی چنین مقرر داشته است: اشخاص نسبت به اموال می‌توانند یکی از علاقه‌های ۱- مالکیت (اعم از عین و منفعت)؛ ۲- حق انتفاع؛ ۳- حق ارتفاق به ملک غیر را داشته باشند. هرچند حقوق عینی دیگری همچون حق وثیقه در قانون مورد شناسایی قرار گرفته است، لیکن آنچه که حائز اهمیت است اینکه به‌غیر از قالب‌های حقوق عینی شناخته‌شده در قانون، اشخاص حق ایجاد حقوق عینی جدید را ندارند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۸). شایان ذکر است که برخی از نویسندگان نظر بر آزادی اشخاص در ایجاد حقوق عینی دارند (پیلوار و صفری، ۱۳۹۹: ۲۲۶). با مالکیتی شدن

حقوق مالکیت فکری این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصل یادشده در حقوق مالکیت فکری نیز قابل اعمال است؟ برای دستیابی به پاسخ این پرسش نخست به تبیین اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت سنتی می‌پردازیم و سپس وضعیت اعمال این اصل در حقوق مالکیت فکری و ضرورت‌های ناشی از آن را با عنایت به ماهیت خاصی که اموال فکری دارند، با روشی توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. مفهوم و مبانی اصل تعداد محدود

۱.۱. مفهوم مالکیت

قبل از اینکه به مفهوم اصل تعداد محدود بپردازیم، لازم است که تعریفی از مالکیت ارائه نماییم که البته خود مستلزم ورود به قلمروی است که به‌طور شگفت‌انگیزی مورد مناقشه می‌باشد. مالکیت در اسلام عبارت است از سلطنت مالک بر مملوک که این سلطنت دارای مراتبی است؛ چون سلطنت تام حقیقی که خاص خداوند می‌باشد، سلطنت انسان بر خود و بر افعال و ذمه‌اش که نوعی سلطنت تکوینی است، و ملک فلسفی که از آن به جده و له نیز تعبیر می‌شود^۱ (گرگی، ۱۳۶۵: ۱۱). در فقه شیعه مالکیت تا قبل از سید کاظم طباطبائی یزدی از دسته واقعیات هستی محسوب می‌شد و از نظر فلسفی اکثر فقیهان آن را جزء مقوله جده می‌دانستند. بنابراین باید همواره چیزی وجود خارجی داشته باشد تا ملکیت بر آن را بتوان تصور کرد و نیز مالکیت تنها بر شخص موجود قابل تصور است (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۱). مالکیت حقوقی عبارت است از اعتبار سلطنت و احاطه کسی (مالک) بر چیزی (مملوک). مالکیت حقوقی، اعتباری است که عقلاً بر مبنای پاسخ به نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی مقرر داشته‌اند و شارع مقدس نیز به‌موجب ادله بیع، عقد، ارث و وصیت آن را محترم شمرده و امضا کرده‌اند (گرگی، ۱۳۶۵: ۱۱). بدیهی است که مالکیت در مفهوم حقوقی و اعتباری آن موضوع بحث ما است. از آنجایی که این نوع مالکیت، عرض متأصل خارجی نیست، لذا به مالک و مملوک حقیقی هم نیازمند نبوده، ممکن است مالک و مملوک هر دو اعتباری باشند (گرگی، ۱۳۶۵: ۱۲).

قانون مدنی ایران مالکیت را تعریف نکرده و صرفاً از توجه به برخی از مواد این قانون می‌توان به برخی از اوصاف آن پی برد. به‌موجب ماده ۳۰ قانون مدنی می‌توان گفت که مالکیت حقی مطلق از لحاظ بهره‌برداری و استفاده مالکانه است و نیز از ماده ۳۱ همان قانون، انحصاری بودن حق مالکیت قابل استنتاج است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

۱. جده یعنی دارایی که یکی از اعراض نه‌گانه ارسطویی است. عرض حقیقی است که برای تحققش معروض لازم دارد و بدون معروض وجود نمی‌یابد.

در مفهوم سنتی، حقوق مالکیت به یک شیء مرتبط شده، حقوق عینی محسوب می‌شود. اصطلاح حقوق عینی ریشه در حقوق رم دارد (Akkermans, 2008: 23). این مفهوم در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، خصوصاً در امریکا مورد چالش قرار گرفت. هرچند هوفلد مالکیت را یک حق عینی می‌داند، لیکن حق عینی را حقوق شخصی تلقی می‌کند که علیه دسته‌ای بزرگ و نامعین از دیگر انسان‌ها ابراز و اعمال می‌شود. در واقع، وی هر دو حق عینی و دینی را ارتباط بین اشخاص به‌شمار می‌آورد؛ با این تفاوت که حق دینی، حقی است علیه یک یا چند شخص معین در حالی که حق عینی، حقی است علیه اشخاص نامعین. رویکرد هوفلد تأثیر بزرگی بر نظریه مالکیت امریکا داشت و به رویکرد دسته‌ای از روابط (Bundle-of-sticks) معروف شد که بر اساس آن، مالکیت حقی نسبت به یک شیء نیست، بلکه دسته‌ای از روابط حقوقی میان اشخاص است (Hohfeld, 1917: 720-721). لذا برخلاف نظر بلک استون^۱ که مالکیت را رابطه‌ای بین شخص و ملک می‌دانست، از دیدگاه هوفلد پایه اصلی مالکیت روابط بین اشخاص نسبت به یک شیء است (Bell & Parchomovsky, 2004: 15). وی همچنین عقیده دارد که حقوق عینی الزاماً مربوط به چیزی به مفهوم شیء ملموس نیست، بلکه این حقوق در مورد چیزهای غیرملموس مانند مالکیت فکری نیز ایجاد می‌شود (Hohfeld, 1917: 733).

برخی برای ارائه تعریفی کاربردی از مالکیت، آن را در چارچوب نظریه کلاسیک حقوق عینی تعریف کرده، بر مبنای آن مالکیت را دسته‌ای از حقوق می‌دانند که به‌طور فرضی، خوبی علیه جهان (Good against the world) محسوب می‌شود (Davidson, 2008: 1605).

۲.۱. مفهوم و جایگاه اصل تعداد محدود در نظام‌های حقوقی نوشته و کامن‌لا

در حقوق مالکیت علاقه‌های حقوقی که اشخاص می‌توانند نسبت به اموال داشته باشند و نیز روش‌های انتقال آن، تعداد محدود و قالب‌های مشخصی دارد. این موضوع که از آن با عنوان اصل تعداد محدود یاد می‌شود در هر دو نظام حقوقی نوشته و کامن‌لا پذیرفته شده است و به‌موجب آن نظام‌های حقوقی صرفاً از قالب‌های مالکیتی مشخصی حمایت می‌کنند.

حقوق کشورهای مبتنی بر حقوق نوشته بر این پیش‌فرض استوار است که قانون منبع انحصاری تعهدات حقوقی می‌باشد. بنابراین اگر قانون اشکال خاصی از مالکیت را شناسایی نماید، صرفاً همین اشکال قیدشده در قانون دارای ضمانت اجرای حقوقی خواهند بود. از همین رو، اشخاص به‌وسیله قرارداد نمی‌توانند انواع جدیدی از حقوق عینی و مالکیتی را ایجاد نمایند و دادگاه‌ها نیز از چنین اختیاری برخوردار نیستند، چراکه چنین اختیاری در تضاد با اصل قانون به‌عنوان تنها منبع انحصاری تعهدات حقوقی خواهد بود (Merrill & Smith, 2000: 9). هرچند

1. Black stone

پذیرش اصل تعداد محدود در کشورهای حقوق نوشته فراگیر است، لیکن اجرای آن در میان کشورهای مختلف، از خشکی و انعطاف‌پذیری متفاوتی برخوردار است. در برخی از این کشورها مانند آلمان، محدود بودن تعداد و قالب حقوق عینی به‌عنوان یک قاعده حقوقی شناخته می‌شود که هیچ استثنایی نسبت به آن پذیرفته نیست (Akkermans, 2015: 19). لیکن در برخی از کشورها همچون فرانسه، گاه با استثناهایی در این خصوص مواجه هستیم. در فرانسه حقوق دانان این کشور به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروه نخست عقیده بر این دارند که حقوق عینی مصرح در ماده ۵۴۳ قانون مدنی حصری است و اشخاص اختیار و آزادی ایجاد حقوق عینی جدید را ندارند. در نقطه مقابل، برخی بر این باور هستند که اشخاص در ایجاد حقوق عینی جدید آزادی عمل دارند و قانون ممنوعیتی در این خصوص اعمال نکرده است. البته عقیده گروه اول غالب است (Akkermans, 2008: 168). در جمع‌بندی وضعیت نظام حقوقی فرانسه می‌توان بر این عقیده بود که اصل تعداد محدود در این کشور نیز اجرایی می‌شود، لیکن به‌سختی و خشکی سایر کشورهای نظام حقوق نوشته نیست (Ibid, 169).

برخلاف کشورهای حقوق نوشته، این اصل حقوقی که قانون مصوب تنها منبع تعهدات حقوقی می‌باشد، در نظام حقوقی کامن‌لا رد شده است. به‌ویژه در حقوق خصوصی (قرارداد، مسئولیت و مالکیت) دادگاه‌ها از قدرت ذاتی برای تعریف و مشخص کردن تعهدات و اصول حقوقی برخوردار هستند. در توجیه این اختیار قضایی گفته شده است که دادگاه‌ها اصولی را که در دل رسوم دیرینه و بسیار قدیمی نهفته‌اند اجرایی می‌کنند و در واقع، قاضی بر مبنای نظر شخصی خود اصول جدیدی را ایجاد نمی‌کند، بلکه اصول و قواعد قدیمی را توسعه می‌دهد (Alschuler, 1996: 43). با وجود تفاوت‌هایی که میان حقوق نوشته و کامن‌لا وجود دارد، نظریات دادگاه‌های نظام حقوقی کامن‌لا در خصوص مالکیت به دیدگاه‌های نظام حقوقی نوشته بسیار نزدیک است و در مقام عمل، صرفاً قالب‌های مالکیتی را که سابقاً مورد شناسایی قرار گرفته باشد به رسمیت می‌شناسند و این قالب‌های مالکیتی صرفاً از طریق نهاد قانون‌گذاری قابل اصلاح و بازنگری هستند (Merrill & Smith, 2000: 11).

۱.۳. اصل یکپارچگی مالکیت

در دوران فئودالیسم قالب‌های مالکیت محدود نبود. آنچه که نظام فئودالی اعطا می‌کرد، همواره متکی به مجوز و عنوان خاص بود و در یک تقسیم‌بندی کارکردی بدون اینکه زمین به‌طور فیزیکی تقسیم شود، اشخاص متعددی انواع مختلفی از حقوق را بر روی آن داشتند. رشد تدریجی اقتصاد باعث شد پراکندگی حقوق فئودالی در خصوص زمین مشکل‌زا شود. تغییر در مفهوم و محتوای غالب مالکیتی مستلزم تغییرات در هر دو حوزه ایدئولوژی و سیاست بود که این دگرگونی با انقلاب کبیر فرانسه محقق شد. هگل ادعا می‌کند که استانداردسازی منافع مالکیت،

جنبشی در خصوص مبارزه برای آزادی مالکیت از گرفتاری‌های فئودالیسم فراگیر است، با این فرض که آزادی اشخاص به آزادی مالکیت وابسته است (Rudden, 1987: 250). به مرور زمان مفهوم مطلق مالکیت با مفهوم فئودالی مالکیت به‌عنوان دسته‌ای از حقوق و وظایف که روابط مطلق و نسبی را در هر دو حوزه خصوصی و عمومی مخلوط کرده بود، در تقابل قرار گرفت. اگرچه از جنبه‌های بسیاری چنین مفهوم یکپارچه‌ای از مالکیت قبلاً در دنیای پیش‌فئودالی وجود داشت، لیکن واکنش فکری علیه رژیم سنتی به بازبینی ظریف‌تری نسبت به آنچه در گذشته وجود داشت، منجر شد. این تکامل نظری در جریان انقلاب (۱۷۹۹-۱۷۸۹) فرانسه به اوج خود رسید و آغاز یک دوره جدید در رژیم‌های مالکیتی فرانسه و سایر نقاط اروپا بود. به‌عنوان واکنشی به سنت فئودالی، مکتب منطقی قرن ۱۸ و قانون‌نویسی مدرن قرن نوزدهم، قواعد مالکیتی رومی را مورد بازبینی قرار داد و آنها را در قالب اصول کلی حقوقی نوشته‌شده، همچون اصل یکپارچگی مالکیت مطرح ساخت. اصل یکپارچگی مالکیت به‌طور تقریبی شامل سه اصل جزئی‌تر است: یکپارچگی فیزیکی، یکپارچگی حقوقی، و یکپارچگی کارکردی (Parisi, 2002: 13).

۱.۳.۱. اصول یکپارچگی فیزیکی

یکی از گرایش‌های عمومی در نظام حقوق مالکیت مدرن، مقابله با تقسیمات فیزیکی موضوع مالکیت و ارتقای یکپارچگی در مالکیت است. در خصوص تقسیم فیزیکی مالکیت، قواعد نظام حقوق نوشته نماد یکپارچگی فیزیکی مالکیت است. نظام حقوق نوشته مشکل یکپارچگی مالکیت را با قواعدی که محدودکننده تقسیمات افقی مالکیت بود، مورد توجه قرار داده است (Parisi, 2002: 17). حقوق مالکیت از زمانی که قاعدهٔ عرش تا عمق زمین^۱ که دلالت بر وحدت فیزیکی مالکیت در خصوص زمین دارد، مورد شناسایی قرار گرفت و چنین فرض شد که شخصی که زمینی را بی‌خبر از هرگونه مانعی برای استفادهٔ آزادانه خود خریداری می‌کند (خریدار باحسن‌نیت)، مالک زیر زمین تا هر اندازه که پایین برود و فضای بالای آن هر قدر که بالا برود می‌شود و در مقابل اشخاصی که ادعاهایی در مورد زمین اعم از فضای بالای زمین یا زیر زمین مطرح می‌کنند، برتری و تفوق خواهد داشت. در اغلب قوانین مدنی قرن نوزدهم دوباره مفاهیم رومی مالکیت که مخالف تقسیم افقی مالکیت بود، به‌کار گرفته شد. در هر دو قانون ۱۸۰۴ فرانسه و ۱۸۶۵ ایتالیا امکان اینکه زمین به چند سطح افقی تقسیم شود، سلب شده بود. بنابراین، زیر زمین و روی زمین باید در مالکیت یک شخص واحد باشد و این امکان که یک نفر مالک زیر زمین و دیگری مالک روی زمین باشد وجود نداشت. سرانجام قوانین قرن بیستم قواعدی را

1. Ad Coelum: *Cuius est solum eius est usque ad coelum et usque ad inferos* ("Whoever owns the land owns the property all the way to heaven and all the way to the center of the earth").

که تقسیم افقی مالکیت را ممنوع می‌کرد کنار گذاشت که آغاز این حرکت با تصویب قانون بی.جی.بی آلمان در سال ۱۹۰۰ و قانون مدنی ایتالیا در سال ۱۹۴۲ صورت گرفت. یکی از دلایل چنین رویکردی نیاز موجود در جامعه برای تنظیم روابط اشخاص در خصوص منابع معدنی زیر زمین و حق بهره‌برداری از آن بود (Parisi, 2002: 20).

در میانه قرن بیستم کنار گذاشته شدن قاعده وحدت فیزیکی مورد انتقاد قرار گرفت، چراکه به شدت ایده مدرن وحدت مالکیت را نقض می‌کرد. همچنین بر مبنای نظریه سنتی، مالکیت حقی غیرقابل تقسیم نسبت به فضای روی زمین - هر اندازه بالا رود - و زیر زمین - هر چقدر که پایین رود - تصور می‌شد و تقسیم افقی مالکیت با نظریه یادشده در تضاد بود.

۱.۳.۲. اصل وحدت حقوقی

یکی دیگر از الزامات دنیای غرب در خصوص حقوق مالکیت، اعطای قدرت مطلق به مالک برای اعمال مالکیت خودش است. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران شناخته‌شده، مالکیت عبارت است از سلطنت و حکومت مطلقه‌ای که یک فرد در برابر سایر افراد نسبت به اشیای عالم خارج دارد. بر این اساس، مالکیت حقی مطلق بوده، تعداد ایدئال مالک برای مالکیت یک نفر است (صاحب، ۱۳۸۹: ۱۹۱). تقریباً قوانین همه کشورهای اروپایی به مطلق بودن مالکیت اشاره کرده‌اند که قرابت نزدیکی با اصل یکپارچگی مالکیت دارد. برای مثال، ماده ۵۴ قانون مدنی فرانسه^۳ تصریح می‌کند که مالکیت حقی است برای بهره‌مندی و انتقال چیزی به مطلق‌ترین حالت. تقریباً عین همین مقرر در قانون مدنی ۱۸۶۵ ایتالیا وجود دارد. به‌طور مشابهی پاراگراف ۹۰۳ قانون بی.جی.بی آلمان تصریح می‌کند^۴ که مالک یک چیز می‌تواند در خصوص آن هرطوری که بخواهد رفتار کند و از هرگونه دخالت دیگران جلوگیری نماید. ماده ۳۰ قانون مدنی ایران نیز با مورد توجه قراردادن مطلق بودن حق مالکیت مقرر داشته است: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». درحالی که مالکیت مطلق غیرقابل بحث به نظر می‌رسد، لیکن اعمال آن در مالکیت مشاعی چندان آسان نیست.

۱.۳.۳. اصل یکپارچگی کارکردی

در حقوق روم، مالک مجاز نبوده چیزی را کمتر از کل بسته حقوق، امتیازات و قدرت مالکانه، منتقل نماید. انتقال حقوق در سطحی کمتر از مالکیت، صرفاً در موارد استثنایی و محدود مجاز

1. BGB, Paragraphs 1012-17

2. Article 952 of the Italian Civil Code of 1942

3. "Ownership is the right to enjoy and dispose of things in the most absolute manner".

4. "May deal with the thing as he pleases and exclude others from any interference".

شمرده می‌شد (Parisi, 2002: 16). هرچند در دوران فتودالی بنیان‌های حقوق مالکیت قرون وسطایی به‌طور غیرقابل بحثی رومی بود، لیکن نظام فتودالی به‌تدریج مفهوم پذیرفته‌شده از مالکیت را دگرگون ساخت و موجب شد اشخاص به عناوین مختلفی بر روی زمین صاحب حقوقی شده، از آن انتفاع خاص خود را داشته باشند. قوانین جدید برای تکه‌تکه شدن کارکردی مالکیت محدودیت ایجاد کردند و صرفاً از حقوق خاص مالکیتی که دارای مطلوبیت اجتماعی بود، حمایت به‌عمل آوردند. این طرف‌داری از ترتیبات مالکیتی خاص، یک جلوه مهم از اصل یکپارچگی مالکیت است که زیربنای حقوق مالکیت مدرن قرار می‌گیرد (Parisi, 2002: 15). هدف این اصل، جلوگیری از ایجاد حقوق عینی متفاوت با آنچه که به‌صراحت در نظام حقوقی شناسایی شده، است. سازماندهی اخیر اصل تعداد محدود، در تضاد آشکار با دکترین آزادی قراردادی است که به‌موجب آن، طرفین قرارداد بدون هرگونه محدودیتی می‌توانند توافق نمایند (Merrill & Smith, 2000: 68-69). دوگانگی میان پارادایم قرارداد و مالکیت موجب تنش عمومی میان اصل آزادی قراردادی و نیاز اجتماعی برای استانداردسازی در حقوق مالکیت شده که در همه قوانین مدرن اروپایی منعکس گردیده است. آنها آزادی قراردادی را با شناسایی و اجرای قراردادهای معین و نامعین ارتقا داده و به‌طور هم‌زمان اختیار اشخاص در معاملات مالکیتی را محدود کرده‌اند و صرفاً معاملاتی را که در چارچوب قالب‌های استانداردشده قبلی انجام شده باشد اجرایی دانسته‌اند.

۲. مبانی توجیهی اصل تعداد محدود

در سال‌های اخیر صاحب‌نظران اصل تعداد محدود را به‌عنوان یک ساختار سودمند توجیه کرده‌اند. از این دیدگاه، اصل تعداد محدود موجب ارتقای تبادل سودمند و استفاده مولد از مالکیت در نقل و انتقالات، کاهش تکه‌تکه شدن مالکیت و مدیریت هزینه اطلاعات اشخاص ثالث و کمک به تأیید حقوق مالکیت می‌شود.

۲.۱. تسهیل نقل و انتقالات

سالیان طولانی در توجیه اصل تعداد محدود این‌چنین گفته شده است که این اصل موجب استانداردسازی حقوق عینی و تسهیل نقل و انتقالات می‌شود و در صورتی که اصل تعداد محدود وجود نداشته باشد، حقوق مالکیت به لحاظ موضوعی به انواع و اقسام حقوق جزئی‌تری تقسیم شده و باعث می‌شود که کسب اطلاعات در خصوص مالکیتی که مورد معامله قرار می‌گیرد، هزینه‌های زیادی را به‌دنبال داشته باشد. بدیهی است این هزینه سنگین در نقل و انتقال مالکیت مانع ایجاد خواهد کرد (Merrill & Smith, 2000: 24). قاضی هلمز در پرونده «جانسون علیه

ویتون»^۱ اظهار داشت که مالک حق ندارد برای نسل‌های آینده عناوین مالکانه جدید ایجاد نماید. صاحب‌نظران معتقدند انتقال‌پذیری مالکیت برای دست‌یافتن به بالاترین سطح استفاده و در نتیجه، افزایش رفاه اجتماعی ضروری است. همچنین، اصل تعداد محدود به‌طور مستقیم با تضییقات غیرموجه بر انتقال مالکیت که از طریق پیش‌بینی شروط محدودکننده موجب ایجاد محدودیت بر آزادی طرفین در انتقال مالکیت می‌گردد، مقابله می‌کند.

۲.۲. کاهش هزینه اطلاعات و ارزیابی

توجه دیگر برای اصل تعداد محدود، مقابله با مشکل ارزیابی اشکال جدید مالکیت است. به عبارت دیگر، اگر اشخاص به‌طور آزادانه قادر باشند اشکال جدید مالکیتی را ایجاد کنند، خریداران بالقوه چنین مالکیت‌هایی جهت ارزیابی ناگزیر از کسب اطلاعات خواهند بود. این امر باعث افزایش هزینه‌های اطلاعات فعالان بازار خواهد شد (Rudden, 1987: 264). برخلاف حقوق دینی، تحقیق و کسب اطلاع در حقوق مالکیت دشوارتر است، چراکه این حقوق علیه اشخاصی قابل اجراست که هیچ دسترسی به مفاد قرارداد خصوص بین طرفین ندارند (Hansmann & Kraakman, 2002: 347). در واقع، اشخاص ثالث در چنین وضعیتی ناچار از صرف زمان و هزینه بیشتری جهت ارزیابی و شناسایی قالب‌های جدید مالکیتی خواهند بود تا هم محدوده آن را بشناسند و هم مرتکب تجاوز و غصب نشوند و هم اینکه قادر باشند آن را از مالکان خریداری نمایند. این نگرانی در تصمیم سال ۱۸۳۴ در پرونده «کپل علیه بیلی»^۲ مطرح شده و به‌موجب آن یک نوع غیرمعمول و جدید از حق ارتفاق رد شده است. در این خصوص، مثال مالکیت دوشنبه در مورد ساعت مطرح شده است؛ بدین صورت که اگر مالکی حق استفاده از ساعت در روز دوشنبه را ایجاد و آن را به دیگری منتقل نماید که به‌موجب آن حق استفاده از ساعت در دوشنبه‌ها متعلق به انتقال‌گیرنده باشد، هر شخص دیگری که ساعتی را خریداری می‌کند باید تحقیق کند که کدام ساعت خاص، حق دوشنبه را ندارد (Merrill & Smith, 2000: 27). بنابراین ایجاد حقوق مالکیتی غیرمعمول و جدید، هزینه پردازش اطلاعات در همه قالب‌های حقوق مالکیت را افزایش خواهد داد. به عبارت دیگر، چنانچه یک واحد مالکیتی ساختار خاص و غیرمعمولی داشته باشد، صاحبان احتمالی آتی چنین مالکیتی برای شناسایی آن، متحمل هزینه خواهند شد و از سوی دیگر فعالان بازار نیز با این مسئله مواجه خواهند بود که آیا مالکیت دیگری که با آن مواجه‌اند، چنان ساختار خاص و غیرمعمولی دارد یا نه.

1. Johnson v. Whiton, 34 N.E. 542, 542 (Mass. 1893).

2. Keppell v. Bailey, 39 Eng. Rep. 1042 (Ch. 1834).

۳.۲. حفظ اندازه و مقیاس مولد از مالکیت

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که اصل تعداد محدود از آثار اصل عدم تقسیمات بیش‌ازحد در حقوق مالکیت است تا با حفظ اندازه مناسب این حقوق بتوان از منابع استفاده کارآمد نمود. در واقع، حقوق مالکیت با ایجاد انحصار در منابع محدود و ارزشمند، مانع بروز فاجعه مشترکات (Tragedy of the commons) در این منابع می‌شود و در عین حال با جلوگیری از تکه‌تکه شدن بیش‌ازحد منافع مالکانه و در نتیجه، استفاده ناکارآمد از منابع، با فاجعه ضد مشترکات (Tragedy of the Anti commons) مقابله کند.

فاجعه ضد مشترکات در مورد اموالی متصور است که چند شخص در خصوص چگونگی استفاده از آن، حق مطلق منع و رد (Veto Right) داشته باشند. از همین رو، احتمال اینکه هزینه‌های معاملاتی و مسائل حفظ و نگهداری اموال مشاعی چنان بزرگ شود که استفاده کارآمد از مالکیت را ممتنع نماید، وجود دارد. با وجود این، برخی عقیده دارند که فاجعه ضد مشترکات در شناسایی قالب‌های خاصی از مالکیت‌های جزئی وزنه سنگینی در قانون ندارد. اغلب قالب‌های حقوق مالکیت جزئی که در قانون ایجاد می‌شود، پیش از آنکه به دنبال وضع محدودیت‌هایی برای تعداد دارندگان یک حق باشد، انواع منافع و علاقه‌های حقوقی قابل ایجاد در خصوص یک مال را مشخص می‌کند (Merrill & Smith, 2000: 51-54). بنابراین ممکن است اشخاص متعددی مالک یک قالب مالکیتی درباره یک مال باشند که نمونه بارز آن، مالکیت مشاعی است.

۴.۲. کمک به تأیید حقوق مالکیت

در جدیدترین توجیهات مطرح‌شده برای اصل تعداد محدود، آمده است که تقسیم حقوق مالکیت نیازمند هماهنگی (فهم مشترک از حقوق مربوطه) و ضمانت اجرا (حمایت در برابر رفتار فرصت‌طلبانه) است. نبود فهم مشترک و ضمانت اجرای کافی به کاهش کارایی منابع منجر می‌شود، زیرا در غیر این صورت طرفین باید هزینه بیشتری را برای حفاظت از حقوق خود پرداخت کنند. از این دیدگاه، اصل تعداد محدود به طرفین معامله کمک می‌کند تا حدود و میزان حقوق مالکیت پیشنهادشده برای انتقال را شناسایی و تأیید نمایند. این فایده، کمتر متوجه اشخاص ثالث است و بیشتر به اشخاصی که قبلاً نفع یا تکلیفی در خصوص یک مال داشته‌اند، مربوط می‌شود. اشخاصی که حقوقی در یک مال واحد دارند، نیازمند روش‌هایی است تا اطمینان حاصل نمایند که درک مشترکی از حقوق یکدیگر دارند. فقدان چنین درک مشترکی باعث خواهد شد که طرفین به‌طور اشتباهی استفاده‌ای ناسازگار با حقی که دارند و یا کمتر از حد، داشته باشند. از طرفی، هر شخص واجد حقی در مورد یک مال و همچنین اشخاص ثالث اجراکننده آن حق، مانند قاضی، نیازمند روشی هستند که تأیید کند هر طرف حقوق مخصوص دیگری را درک می‌کند یا خیر؟ در

این صورت چالش‌های مربوط به اجرای قرارداد و همچنین مشارکت احتمالی طرفین کاهش می‌یابد (Hansman and Krakman, 2002: 373-383). اصل تعداد محدود با محدود کردن انواع منافع مالکیتی در دسترس، درک بهتر طرفین در شناسایی موقعیت خود را تسهیل می‌کند. هرچه تعداد حقوق مالکیتی قابل تصور در خصوص یک مال کمتر باشد، به همان میزان درک اشخاص از این حقوق بالاتر رفته، اختلافات ناشی از عدم فهم حقوق مالکیتی کمتر خواهد شد.

۳. اصل تعداد محدود در مالکیت فکری

در این بند به بررسی این مسئله می‌پردازیم که آیا اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت فکری قابل اعمال است یا خیر؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش، موضوع را در دو قسمت بررسی می‌کنیم. ابتدا از دیدگاه کلی امکان ایجاد قالب‌های جدید مالکیتی در حقوق مالکیت فکری را بررسی خواهیم کرد و سپس چگونگی اعمال این اصل و ایجاد حقوق جزئی مالکیتی در حقوق ناشی از گواهی‌نامه ثبت اختراع و حق مؤلف مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

۳.۱. قالب‌های اصلی مالکیتی

به‌رغم وجود موافقت‌نامه‌های متعدد بین‌المللی، در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف آنچه که تحت عنوان قالب‌های اصلی حقوق مالکیت فکری شناسایی شده، متکی به قوانین سرزمینی کشورها است. در این قوانین قالب‌های اصلی مالکیت فکری احصا گردیده است. بنابراین، دارندگان اموال فکری صرفاً در چارچوب یک یا چند قالب شناسایی شده، در قانون حق برخورداری از حقوق مالکانه را خواهند داشت. لذا تا زمانی که در خصوص یک پدیده فکری، قالب مالکیتی خاصی در قانون شناسایی نشده باشد، برای اشخاص در رابطه با آن پدیده، حق عینی قابل تصور نخواهد بود.^۱ همچون حقوق مالکیت سنتی در این حوزه از حقوق نیز اشخاص نمی‌توانند قالب‌های جدیدی از حقوق مالکانه را در کنار قالب‌های اصلی شناخته‌شده این حقوق، از قبیل حق اختراع، حق مؤلف، علائم تجاری و ... ایجاد نمایند. از همین رو، پدیدآورندگان و مبتکران صرفاً در چارچوب قالب‌های شناسایی‌شده در قانون می‌توانند ادعای حق مالکیت فکری نمایند و خارج از قالب‌های شناخته‌شده و معمول، حق مالکیتی وجود نخواهد داشت. در حقوق

۱. شایان ذکر است که پدیده‌های فکری به محض عرضه و افشا برای عموم، از سلطه پدیدآورنده خارج و در دسترس عموم قرار می‌گیرند و در صورتی که پدیده‌های یادشده مورد حمایت حقوق مالکیت فکری قرار نگرفته باشند، پس از افشا، هیچ حقی عینی برای پدیدآورنده آن قابل تصور نخواهد بود. با وجود این، تا زمانی که پدیدآورنده، اثر فکری خود را افشا نکرده، از حقوق انحصاری محدودی برخوردار است و می‌تواند از برخی راهکارهای حقوق خصوصی، مثل قرارداد، برای بهره‌مندی از حقوق خود استفاده نماید.

امریکا صرفاً کنگره حق ایجاد قالب‌های جدید مالکیتی را دارد و اصل تعداد محدود در خصوص شناسایی قالب‌های جدید مالکیتی در این حوزه اعمال می‌شود. با وجود این، در برخی موارد، دادگاه‌های این کشور در شناسایی قالب‌های جدید مالکیتی در حوزه حقوق مالکیت فکری نقش داشته‌اند. از آن جمله می‌توان به دعوی سرویس خبری بین‌المللی علیه آسوشیتدپرا^۱ اشاره کرد که به موجب آن، دیوان عالی حق جلوگیری از سوءاستفاده از اطلاعات منتشره در اخبار را، حتی در صورتی که اطلاعات یادشده مشمول مالکیت ادبی و هنری و راز تجارت نباشد، مورد شناسایی قرار داده است. هرچند دادگاه اصرار داشت که تصمیم وی حق مالکیتی در اخبار ایجاد نکرده و صرفاً قالبی از رقابت غیرمنصفانه را در تصاحب اخبار جمع‌آوری شده از سوی دیگری اعمال کرده است (Merrill & Smith, 2000: 20). با وجود این، قاضی براندریس^۲ و قاضی لرنند هند^۳ در رأی بعدی که از شعبه دوم صادر گردید، رأی یادشده را یک تخطی موزیان به این اصل که صرفاً کنگره حق ایجاد قالب‌های جدیدی از مالکیت را دارد، دانستند. یکی دیگر از انعطاف‌های صورت‌گرفته در این زمینه، حق شهرت (Right of Publicity) است که از تصاویر و صوت اشخاص مشهور در مقابل استفاده تجاری بدون رضایت آنها حمایت می‌کند. به نظر می‌رسد در کشور ما هم، اصل تعداد محدود در رابطه با ایجاد قالب‌های جدید مالکیتی اعمال می‌گردد و بدون طی روند قانون‌گذاری هیچ دادگاهی نمی‌تواند قالب مالکیتی جدیدی را علاوه بر آنچه در قانون تصریح شده است، به رسمیت بشناسد. برای مثال، تا قبل از تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، قالب مالکیتی با عنوان طرح صنعتی شناسایی نشده بود و اشخاص در چارچوب مالکیت صنعتی نمی‌توانستند مدعی حق مالکیت بر روی طرح‌های صنعتی بشوند و صرفاً در قالب‌های مصرح در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، قابل حمایت بود. در حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز صرفاً آثاری قابلیت حمایت را دارند که در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و سایر قوانین مرتبط مورد شناسایی قرار گرفته باشد. در این خصوص می‌توان به نرم‌افزارهای رایانه‌ای اشاره کرد که تا قبل از تصویب قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، چنین قالب مالکیتی مورد شناسایی و حمایت قرار نگرفته بود.

۲.۳. حقوق مالکیتی جزئی برگرفته از قالب‌های اصلی

به‌طور مرسوم در ادبیات حقوقی ایران، حق عینی صرفاً به حقی اطلاق می‌شود که ناظر به اعیان به مفهوم اشیای ملموس باشد و از این منظر حقوق مالکیت فکری که موضوع آن عین به مفهوم

1. International News Service V. Associated Press, 248 U.S. 215 (1918).

2. Brandeis

3. Learned Hand

پیش‌گفته نیست، حق عینی تلقی نشده، جزء دستهٔ سومی در کنار حقوق عینی و دینی و تحت عنوان حقوق معنوی (فکری) قرار می‌گیرند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳). با وجود این، در سال‌های اخیر با توجه به ضرورت‌های حقوقی و اقتصادی موجود، نظریه‌های قابل‌توجهی در جهت رد مفهوم سنتی عین مطرح شده و حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یکی از حقوق بارزی که موضوع آن غیر فیزیکی است، جزء دستهٔ حقوق عینی به‌شمار آمده است.^۱ از آنجایی که در هر دو حوزهٔ حقوق مالکیت فیزیکی و فکری، حقوق مالکانهٔ اشخاص به‌وضوح علیه دسته‌ای نامحدود و نامشخص از اشخاص اعمال می‌شوند، لذا عینی محسوب می‌گردند. بنابراین، برخلاف حقوق دینی که طرفین آن مشخص و محدودند، در حقوق عینی اشخاصی که در معرض تکلیف قرار می‌گیرند، محدود و مشخص نبوده، شامل هر شخصی که در محدودهٔ حقوق مالکانه قرار بگیرد، می‌شود. بنابراین با عنایت به حضور فراگیر این اصل در حقوق مالکیت ملموس و واقعی و مزایای خاص آن در نظام حقوق عینی، به‌نظر می‌رسد که حقوق مالکیت فکری نیز موضوع این اصل قرار گیرد. با وجود این، اصل تعداد محدود در خصوص حقوقی که در ذیل یکی از قالب‌های اصلی شناخته‌شدهٔ مالکیتی قرار می‌گیرد، اعمال نمی‌شود. برای روشن شدن بحث، موضوع را با طرح یک مثال در مورد یک قطعه زمین و یک اثر موضوع حق مؤلف، ادامه می‌دهیم.

منافع مالکیتی در خصوص یک قطعه زمین صرفاً در قالب‌های مشخص قابل تقسیم است. اگر حق انتفاع عمری به شخصی داده شود، این حق نمی‌تواند واجد شرایطی باشد که به‌نوعی ایجاد حق مالکیت برای منتفع بنماید و صرفاً در چارچوب مشخص شده قابل اعطا است. به این ترتیب، اینکه منافع مالکانه به چه نحوی قابلیت تقسیم موضوعی دارد، مربوط به اصل تعداد محدود می‌شود و صرفاً در قالب‌های شناخته‌شده قابل تقسیم است. برعکس، شخصی که مالک یک اثر ادبی و هنری است در تقسیم موضوعی این حقوق و انتقال آن به قالب‌های خاصی محدود نیست و از آزادی عمل برخوردار است. پس در حقوق مالکیت فکری شخصی که مالک یک اثر ادبی و هنری یا اختراع است، می‌تواند انواع مختلفی از حقوق را - هرچند که معمول نباشد - در خصوص اثر یا اختراع خود خلق و به دیگران انتقال دهد. از همین رو، چارچوب‌های مشخصی برای قراردادهای انتقال حقوق مالکیت فکری تعریف نشده است. برای مثال، در قرارداد مجوز بهره‌برداری، مالک تقریباً از آزادی عمل کامل در تعیین شروط و تعهدات برخوردار بوده، به قالب خاصی مثل آنچه در عقود معین مربوط به حقوق عینی (در اموال فیزیکی) با آن مواجه هستیم، محدود نیست.

۱. برای مطالعهٔ بیشتر در این زمینه، رک. جعفری‌تبار، حسن، «ملک معنی در کنار گفتاری در فلسفهٔ حقوق مالکیت فکری»، فصلنامهٔ حقوق، مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۳۸۶، ص ۵۱-۵۹.

۴. اثر فقدان اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت فکری

همان‌طور که گفته شد، اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت بر اموال فیزیکی از محوریت اساسی برخوردار است و مزایایی از قبیل تسهیل انتقال مالکیت، کاهش هزینه‌های اطلاعات و ارزیابی را به همراه دارد. از طرفی مشخص شد که در حوزه حقوق مالکیت فکری حداقل در خصوص حقوق جزئی نشئت گرفته از قالب‌های اصلی مالکیتی، اصل تعداد محدود اعمال نمی‌شود. اینک به بررسی اثر فقدان اصل تعداد محدود در مالکیت فکری می‌پردازیم.

۴.۱. ایجاد محدودیت در انتقال مالکیت

فقدان اصل تعداد محدود در مالکیت فکری موجب می‌شود افراد بر روی یک مال فکری انواع و اقسام حقوق جدید را ایجاد و به اشخاص مختلف واگذار نمایند. از آنجایی که این حقوق چارچوب‌های روشنی ندارد، تداخل موضوعی و حکمی میان این حقوق بروز خواهد کرد و به مرور با دسته‌ای از حقوق مواجه می‌شویم که نقل و انتقال آنها به دلیل پیچیدگی ناشی از فقدان چارچوب‌های صریح و روشن با محدودیت‌هایی مواجه خواهد شد. از سوی دیگر، چنانچه در نظام حقوق مالکیت فکری امکان شخصی‌سازی قابل‌توجهی وجود داشته باشد، آثاری خلق خواهد شد که قابل انتقال نیست. این مسئله بیشتر در مورد آثار اشتقاقی قابل تصور است که بر اساس یک اثر اولیه متعلق به دیگری خلق می‌شود. بر این اساس، هرچه حقوق ایجادشده در مورد اثر اولیه بیشتر باشد با صاحبان حقوق متعددی در خصوص آن اثر مواجه خواهیم بود و هریک از این صاحبان حقوق می‌توانند به‌طور بالقوه به استناد حقی که بر روی اثر اولیه دارند، ادعایی را در پیوند با اثر دوم برای خود قائل باشند و مانع از انتقال آن بشوند. بنابراین در اثر توافقات قراردادی بدون چارچوب و حدوث تراژدی ضد مشترکات، انتقال یا بازانتقال مال فکری با موانع عدیده‌ای مواجه خواهد شد. با وجود این، در حوزه یادشده نیز جنبه‌های مشخصی از اصل تعداد محدود بر روی کپی‌های خاصی از یک اختراع یا اثر، توسعه داده شده است که از آن با عنوان دکترین اولین فروش (The first sale doctrine) یا دکترین استیفای حق (خاتمه حق Doctrine of exhaustion) یاد می‌شود. به‌موجب این دکترین، زمانی که نسخه‌های فیزیکی از یک اثر برای اولین بار با رضایت مالک فروخته می‌شود، دیگر قابلیت کنترل از سوی صاحب اختراع یا اثر را نخواهد داشت (حبیبی و شاکری، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰). دکترین اولین فروش، شکلی از اصل تعداد محدود به‌شمار می‌رود، چراکه به‌طور مؤثر به‌عنوان ممنوعیتی بر منافع مالکیتی غیرمتصرفانه در کپی‌های خاصی از یک اختراع یا اثر عمل می‌کند. در حوزه اختراعات، دکترین استیفای حق از آرای قضایی نشئت گرفته است (Hovenkamp, 2011: 511). در حوزه مالکیت ادبی و هنری دکترین اولین فروش ریشه در کامن‌لا دارد و سپس در قانون مالکیت ادبی و هنری ۱۹۰۹ آمریکا

مورد توجه قرار گرفته است. هدف این دکتترین، جلوگیری از ایجاد محدودیت غیرموجه بر انتقال مالکیت می‌باشد (Hovenkamp, 2011: 493). با وجود این، دکتترین اولین فروش یا دکتترین اگراسشن، در آثار دیجیتالی اعمال نمی‌شود. این امر باعث شده است که بخش عمده‌ای از محتواهای دیجیتالی به‌سادگی از شخصی به شخص دیگر قابل انتقال نباشد (Mulligan, 2013: 253). در آثار غیردیجیتالی مثل کتاب، زمانی که شخصی کتابی را خریداری می‌کند، مالکیت کتاب به خریدار منتقل می‌شود و خریدار کتاب حق دارد آن را به هر شخصی اجاره دهد یا بفروشد و صاحب اثر فکری نیز به دلیل وجود دکتترین استیفای حق، نمی‌تواند مانع از بازتوزیع اثر فروخته‌شده باشد. لیکن در فضای الکترونیکی، مالکان آثار، حتی در خصوص نسخه‌ای که در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند نیز از عنوان فروش استفاده نکرده، آن را در چارچوب مجوز بهره‌برداری عرضه می‌کنند. برای مثال، برای مجوز بهره‌برداری ۲۰۱۰ نرم‌افزار آفیس، مایکروسافت^۱ به‌صراحت عنوان می‌کند که در خصوص نرم‌افزار یادشده، صرفاً مجوز بهره‌برداری اعطا گردیده و فروخته نشده و مشخصاً هرگونه عاریه یا اجاره دادن یا بازفروش آن را ممنوع اعلام کرده است. حتی نرم‌افزارهایی که در یک وسیله به‌کار رفته نیز با محدودیت‌هایی همراه است؛ برای مثال، کانن در مجوز بهره‌برداری دوربین‌های دیجیتالی تصریح دارد که نرم‌افزار به‌کاررفته در آن، قابل تبدیل، اجاره، عاریه یا بازفروش نیست.

همچنین در این خصوص می‌توان به مجوز بهره‌برداری بذر مونسانتو اشاره کرد که به‌موجب آن مقرر شده است: این بذر واجد یک مجوز بهره‌برداری محدود تحت قانون اختراع امریکا است و به‌موجب آن صرفاً برای یک بار محصول در یک فصل اجازه تولید تجاری از بذر داده شده و در چارچوب این مجوز بهره‌برداری، تهیه بذر از محصول به‌عمل آمده است و کاشت آن مجاز نیست. بنابراین، اختیار دارندگان مالکیت ادبی و هنری و اختراع برای اعطای مجوز بهره‌برداری استفاده‌های خاصی از آثار ادبی و اختراعات، به‌طور غالب نتیجه‌ای جز ایجاد ممنوعیت صریح برای انتقال مالکیت فکری ندارد. از طرفی، محدودیت‌های غیرموجه بر انتقال، این نگرانی را به‌دنبال خواهد داشت که حقوق مالکیت به‌اجزای زیادی تقسیم و به‌طور افراطی در بین اشخاص متعدد تقسیم شود، به‌نحوی که با فاجعه ضد مشترکات مواجه می‌شویم و هر استفاده‌ای منوط به اجازه سایر دارندگان حق است.

۲.۴. عوارض بالای ارزیابی

عدم اعمال اصل تعداد محدود در نظام حقوق مالکیت فکری موجب تحمیل هزینه‌های بالایی به اشخاصی که قصد خریداری و یا استفاده از مال فکری را دارند، می‌شود. در این میان، هزینه‌های

1. <https://www.microsoft.com/en-us/download/details.aspx?id=13653> (last visited Nov.17,2021)

ارزیابی آثار حوزه حق مؤلف می‌تواند بسیار بالاتر باشد. در مالکیت سنتی زمانی که شخصی قصد خریداری مالی را دارد، برای ارزیابی مال از لحاظ اینکه اشخاص ثالث چه حقوقی بر این مال دارند، با عناوین حقوقی مشخصی مواجه است. در حقوق مالکیت فکری با عدم اعمال اصل تعداد محدود، اشخاص برای ارزیابی مال فکری با عناوین حقوق عینی مشخصی روبرو نیستند تا صرفاً در مورد آنها بررسی نمایند، بلکه ناگزیر از تحقیق و بررسی گسترده‌تری که از جامعیت نسبی برخوردار باشد، هستند. در پرونده «فلیشر»^۱، دادگاه انتقال حق مالکیت ادبی و هنری انیمیشن بتی بوپ (Betty Boop) را بدون اینکه حق بهره‌برداری از شخصیت نمایش (Character) واگذار شود، مجاز دانست. بتی بوپ یک انیمیشن محبوب در دهه ۱۹۳۰ بود که مکس فلیشر، خالق آن، در سال ۱۹۴۱ کلیه حقوق خود در خصوص این اثر را به شرکت پارامونت پیکچرز (Paramount Pictures) واگذار کرد. پارامونت هم در سال ۱۹۵۵ اثر را به یو ام اند ام تی وی (UM & M TV Corp.) فروخت و نهایتاً در دهه ۱۹۷۰، خانواده مکس فلیشر با تأسیس شرکت «فلیشر استودیو» (Fleischer Studios) اثر مورد بحث را دوباره خریداری کردند. پس از آن، این شرکت مجوزهایی برای بهره‌برداری از شخصیت نمایشی بتی بوپ به منظور استفاده در اسباب‌بازی و کالاهایی از این دست به دیگران اعطا نمود و از آنجایی که شرکت ای.وی.ای.ال.ای (A.V.E.L.A., Inc.) بدون اجازه از شرکت فلیشر استودیو همین استفاده را از بتی بوپ انجام می‌داد، دعوی نقض از سوی شرکت فلیشر استودیو مطرح شد. دادگاه با این استدلال که در قرارداد بین پارامونت و یو ام اند ام تی وی، حق شخصیت نمایشی واگذار نشده و سه سال بعد از این قرارداد، این حق به شرکت هاروی فیلم (Harvey Film) منتقل شده است، شرکت خواننده را ناقض ندانست.

در واقع، دادگاه برخلاف اصل تعداد محدود، حق جدیدی را که پارامونت مالک اثر بتی بوپ با عنوان حق بهره‌برداری از شخصیت نمایشی ایجاد کرده و آن را به دیگری انتقال داده بود، به رسمیت شناخت. عدم رعایت اصل تعداد محدود، باعث می‌شود که طرفین قرارداد، هزینه‌های ناشی از تصمیم خود را درونی‌سازی نکرده، آن را به اشخاص ثالثی که به نحوی در آینده با اثر مرتبط می‌شوند، تحمیل کنند. پرونده «فلیشر» مشکل یادشده را به خوبی نشان می‌دهد که به موجب آن، تصمیم پارامونت برای انتقال قسمتی از حق خود نسبت به اثر، موجب اشتباه فلیشر شده و هزینه‌های سنگینی را به او تحمیل کرده است. حتی اگر در قراردادی که شرکت فلیشر به واسطه آن انیمیشن بتی بوپ را خریداری کرده بود به صراحت قید می‌شد که کلیه حقوق به خریدار منتقل شده است، باز هم مشکل حل نمی‌شد. همچنین در صورتی که قرارداد فی‌مابین پارامونت و یو ام اند ام تی وی به بهترین وجه ممکن تنظیم می‌شد، تصمیم آنها برای تفکیک

1. Fleischer Stu. Inc. V. A.V.E.L.A., Inc. 654 F.3d 958(9th Cir. 2011).

حقوق متصوره در انیمیشن نامبرده، نتایج ناخواسته‌ای را به فلیشر تحمیل می‌کرد. بنابراین با عدم اعمال اصل تعداد محدود حتی شرکت‌های بزرگ نیز با هزینه‌های ارزیابی بالایی برای خریداری آثار فکری، به‌خصوص آثار ادبی و هنری، مواجه هستند.

۴.۳. سخت شدن تأیید حقوق مالکانه

فقدان اصل تعداد محدود در مالکیت فکری موجب می‌شود اشخاص ندانند نسبت به مال خود از چه حقوقی برخوردارند و دیگران چه حقوقی بر آن دارند. این عدم آگاهی می‌تواند ناخواسته موجب نقض حق گردد. در حقوق مالکیت صنعتی مقرر گردیده که هرگونه تغییر در مالکیت یا اعطای مجوز بهره‌برداری باید در اداره ثبت مالکیت صنعتی ثبت و آگهی گردد، در غیر این صورت در برابر اشخاص ثالث قابلیت استناد نخواهد داشت.^۱ به‌نظر می‌رسد چنین راهکاری یعنی ثبت و آگهی نقل و انتقالات به‌نوعی جبران خلأ ناشی از عدم اعمال اصل تعداد محدود در این حوزه از حقوق باشد و موجب می‌شود تا اشخاص ثالثی که این حقوق علیه آنها اعمال می‌شود، حداقل اطلاعات را در خصوص حق واگذار شده و محدوده آن به‌دست آورند. با فقدان اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت فکری، مشکل مورد بحث خصوصاً در مورد آثار دیجیتالی و نرم‌افزارها بروز و ظهور بیشتری خواهد داشت؛ چراکه شرایط مقرر برای استفاده‌کنندگان در مجوزهای بهره‌برداری محتواهای دیجیتالی بسیار طولانی است و انتظار اینکه اشخاص آن را مطالعه کنند و متوجه شوند، چندان منطقی نیست. این‌گونه قراردادها و شروط مقرر در آن به سود بسیاری از مصرف‌کنندگان نیست و در موارد عدیده‌ای سبب طرح دعوا شده است (حبیبی و شاکری، ۱۳۸۹: ۵۵). از سوی دیگر با توجه به سردرگمی استفاده‌کنندگان این‌گونه آثار در خصوص حدود و ثغور حقوق خود، احتمال نقض حقوق صاحبان آثار بسیار محتمل است و مالکان اموال فکری ناگزیر از اقدامات پیشگیرانه بوده، حصارهای گرانی را برای حفاظت از مرزهای مالکیتی مدنظر خود ایجاد می‌نمایند. در نتیجه، خریدار از استفاده حداقلی حقوق متعلق به خود و فروشنده از سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در ایجاد حصار حفاظتی، متضرر خواهند شد.

۵. نحوه اعمال اصل تعداد محدود در مالکیت فکری

اعمال یکنواخت اصل تعداد محدود در حقوق مالکیت فکری با توجه به وضعیت خاصی که در این حوزه با آن روبه‌رو هستیم، کارایی لازم را نخواهد داشت. برخلاف مالکیت بر اموال فیزیکی که از وضعیت ایستایی برخوردار است، در حوزه حقوق مالکیت فکری با پویایی و

۱. در این باره می‌توان به مواد ۴۸ و ۵۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ اشاره کرد.

تحول روزافزونی مواجه هستیم و پیش‌بینی قالب‌های معین و حصری حقوق عینی، مانع از تحول متناسب با نیازهای روز جامعه در این حوزه خواهد شد. همان‌طور که گفته شد، در قالب‌های اصلی حقوق مالکیت فکری، اصل تعداد محدود به‌طور کامل اعمال می‌شود. لیکن در قالب‌های مربوط به حقوق فرعی داخل در هر یک از قالب‌های اصلی، اصل تعداد محدود همانند آنچه در حقوق مالکیت سنتی با آن مواجه هستیم، اعمال نمی‌شود. برخی عقیده دارند که نه آزادی کامل در شخصی‌سازی حقوق مالکیتی و نه استانداردسازی کامل، هیچ‌یک هزینه‌های اجتماعی را کاهش نمی‌دهد. بنابراین، استانداردسازی علاقه‌های حقوق مالکیت فکری را تا جایی مفید می‌دانند که بین هزینه‌های ناشی از محدود شدن مالکان اموال فکری در ایجاد علاقه‌های مالکیتی جدید و منافع ناشی از اعمال اصل تعداد محدود تعادل برقرار باشد (Merrill & Smith, 2000: 38).^۱ با وجود این، معیارها و ضوابط عینی جهت اعمال ارائه نشده و چگونگی رسیدن به نقطه تعادل، خود نیازمند تحقیقی مستقل بر مبنای تحلیل اقتصادی است. مسلم است که حقوق مالکیت فکری در قیاس با مالکیت سنتی، حوزه‌ای نوظهور به حساب می‌آید که با توجه به رشد و توسعه دانش و تکنولوژی، همواره در حال تغییر و تحول است تا ضمن پاسخگویی به نیازهای روز جامعه به نقطه تعادل میان منافع پدیدآورندگان و مبتکران از یک سو، و جامعه از سوی دیگر برسد. بنابراین، استانداردسازی کامل حقوق و منافع مالکانه همانند وضعیتی که در مالکیت سنتی با آن مواجه هستیم، نه تنها فایده‌ای نخواهد داشت، بلکه زیان بار هم خواهد بود. بر همین اساس، در صنایع و فعالیت‌هایی که هزینه‌های محروم‌سازی خیلی بالا و منافع ناشی از استانداردسازی پایین باشد، اعمال اصل تعداد محدود واجد آثار مخربی خواهد بود. بنابراین برخلاف حقوق مالکیت بر اموال فیزیکی که اصل تعداد محدود به‌طور گسترده اعمال می‌شود، در اموال فکری ناگزیر از اعمال محدود و چندبخشی اصل تعداد محدود خواهیم بود تا ضمن برخورداری از مزایای این اصل، از محروم‌سازی غیرموجه و هزینه‌ساز در این حوزه جلوگیری شود.

۶. اصل تعداد محدود و لزوم اعمال دکترین استیفای حق در حوزه مالکیت ادبی و هنری

همان‌طور که گفته شد، اصل تعداد محدود در خصوص قالب‌های اصلی حقوق مالکیت فکری و به تبع آن بر مالکیت ادبی و هنری اعمال می‌شود و در مورد منافع و حقوق مالکانه‌ای که ذیل هر یک از قالب‌های اصلی قرار می‌گیرند، دارندگان این‌گونه آثار از آزادی عمل برخوردارند. ماده ۵ قانون حمایت

۱. بررسی موضوع چگونگی رسیدن به نقطه تعادل یادشده در قالب‌ها و مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری، مستلزم تحقیقی مستقل بر مبنای تحلیل اقتصادی است.

حقوق مؤلفان و مصنفان نیز با ذکر برخی از حقوق مادی پدیدآورندگان، آن هم به‌طور تمثیلی، زمینه را برای ایجاد انواع جدیدی از حقوق مادی و واگذاری آن به اشخاص ثالث فراهم کرده است. در حقوق امریکا، قانون مالکیت ادبی و هنری ۱۹۰۹ با تقسیم مالکیت ادبی و هنری به اجزای تشکیل‌دهنده آن، یعنی کپی‌برداری، اجرا و توزیع مخالفت کرده بود. به‌موجب این قانون، هرگونه اعطای حقی در سطحی پایین‌تر از حقوق غیرقابل تقسیم مالکیت ادبی و هنری، انتقال مالکیت نبوده، صرفاً مجوز بهره‌برداری تلقی می‌شد. در قانون مالکیت ادبی و هنری ۱۹۷۶ آن کشور، سیاست فوق‌رہا شد و به‌صراحت عنوان گردید که هر حق انحصاری که جزء مالکیت ادبی و هنری است، شامل هر شاخه فرعی از هر حق مشخص‌شده در قانون، قابلیت انتقال و تملک را به صورت مجزا دارد (Lemley, 1997: 569)؛ لذا مالک هر حق انحصاری می‌تواند در گستره آن حق، همه منافع، حمایت‌ها و جبران‌های مقرر برای مالک اثر در این عنوان مالکانه را درخواست نماید. بر این اساس، حقوق انحصاری به ۶ حق نامبرده در قانون محدود نخواهد بود و حتی یک حق فرعی که از هر کدام از این حقوق شش‌گانه نشئت گرفته باشد از قبیل حق انحصاری انتشار کپی‌های یک کتاب در فرمت گالینگور، قابلیت انتقال خواهد داشت؛ به‌نحوی که انتقال‌گیرنده در محدوده همان حق از همه اختیارات پیش‌بینی شده برای مالک برخوردار است (Lemley, 1997: 570). برخلاف حقوق مالکیت صنعتی که در آن دکترین استیفای حق مورد تصریح قرار گرفته است^۱، در حوزه مالکیت ادبی و هنری و به‌طور خاص قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، دکترین استیفای حق یا اولین فروش مورد توجه واقع نشده است (حبیبی و شاکری، ۱۳۸۹: ۱۰۵). همان‌طور که اشاره شد، از دیدگاه مالکیتی، دکترین استیفای حق مصداقی از اعمال اصل تعداد محدود در حوزه حقوق مالکیت فکری به‌شمار می‌رود و همچون حقوق مالکیت صنعتی، ضرورت دارد در حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز بر حق توزیع پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری اعمال گردد. از موضوعات خاص حوزه مالکیت ادبی و هنری، اعطای مجوز بهره‌برداری یک اثر و یا فروش آن برای استفاده در یک اثر جدید است. اثر جدید در سطحی بزرگ یا کوچک اصیل خواهد بود و با اثری مواجه خواهیم بود که دارای مالکان متعددی است. با توجه به فقدان اصل تعداد محدود، مالکان آثاری که اثر آنها در یک اثر دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، شرایط بسیار محدودکننده‌ای را برای استفاده انتقال‌گیرنده مقرر می‌دارند که موجب محدودیت‌های قابل‌توجهی برای بهره‌برداری مالک اثر دوم می‌شود. چنین موقعیتی می‌تواند بستری برای فاجعه ضد مشترکات باشد و نیز در محدوده حقوق مالک اثر جدید و یا اشتقاقی موجب سردرگمی گردد (Lemley, 1997: 569). در صورت اعمال دکترین استیفای حق در این حوزه، منافع صاحب اثر اصلی در یک اثر اشتقاقی، زمانی که آن اثر برای اولین بار برای عموم منتشر، اجرا یا نمایش داده می‌شود، پایان می‌پذیرد. لذا زمانی که اثر برای عموم عرضه شد، مالک اثر اصلی قادر

۱. جزء یک بند «ج» ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶.

نخواهد بود با اعمال حق خود مانع از بهره‌برداری از اثر اشتقاقی گردد. بر این اساس، اگر شخص «الف» به‌عنوان مالک اثر، مجوز تهیه فیلم از اثر خود را در قبال درصدی از فروش اثر اشتقاقی به «ب» واگذار نماید، با اولین انتشار فیلم، حق مؤلف صاحب اثر اصلی استیفاشده تلقی خواهد شد و به استناد نقض حقوق مادی و معنوی خود، حق منع استفاده از اثر را نخواهد داشت.

یکی دیگر از حوزه‌های مالکیت ادبی و هنری که اعمال اصل تعداد محدود از طریق دکترین اولین فروش در آن ضروری به‌نظر می‌رسد، فضای مجازی و دیجیتالی است. انواع مختلفی از دکترین اولین فروش، قبلاً در برنامه‌های نرم‌افزاری خاصی ایجاد شده و هیچ‌گونه زیانی گزارش نشده است. نرم‌افزار آی تونز اپل^۱ به شخص اجازه داده است تا برای یک بار بتواند مجوز بهره‌برداری خود را به دیگری منتقل نماید (Mulligan, 2013: 279). مجوز بهره‌برداری میکروسافت نیز برای یک بار انتقال حقوق نرم‌افزار را اجازه می‌دهد به شرط آنکه انتقال‌دهنده هم‌زمان کپی خود را حذف کند^۲. دکترین اولین فروش در آثار دیجیتالی نه‌تنها انتقال مالکیت را تسهیل می‌کند و هزینه‌های معاملاتی انتقال را کاهش می‌دهد، بلکه به مالکان کپی‌ها هم این امکان را می‌دهد که آثار قدیمی را حفظ یا بازفروش کنند به‌جای اینکه آنها را از دست بدهند یا غیرقابل استفاده شود. این امر منافع بیشتری برای عموم ایجاد می‌کند (Mulligan, 2013: 282). با وجود این، در رأی که دادگاه عدالت اتحادیه اروپا^۳ در پرونده «تام کابینت»^۴ صادر کرده است، اقدام مالک مبنی بر قرار دادن کتاب در فضای مجازی به‌نحوی که هر شخصی با پرداخت مبلغی قادر به دانلود آن باشد، توزیع اثر (Distribution right) تلقی نکرده و آن را اقدامی در جهت اعمال حق اطلاع‌رسانی اثر^۵ برای عموم تفسیر نموده است. بنابراین، از آنجایی که استیفای حق صرفاً بر حق توزیع مالک اثر قابل اعمال است و شامل حق اطلاع‌رسانی اثر برای عموم نمی‌شود، لذا حق صاحب اثر استیفای شده محسوب نمی‌شود و اشخاص حق بازانتقال کتاب الکترونیکی را بدون اجازه مالک نخواهند داشت (Sganga, 2020: 3). در ماده ۱۱۷ قانون مالکیت ادبی و هنری امریکا، استیفای حق در خصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای پذیرفته شده و

1. iTunes-Apple

2. Microsoft Software License Terms for Microsoft Office 2010, supra note 23, at § 20. The license provides,

TRANSFER TO A THIRD PARTY. The first user of the software may make a one-time transfer of the software and this agreement, by transferring the genuine proof of license directly to a third party. The first user must remove the software before transferring it separately from the licensed device. The first user may not retain any copies of the software. Before any permitted transfer, the other party must agree that this agreement applies to the transfer and use of the software. If the software is an upgrade, any transfer must also include all prior versions of the software.

3. Court of Justice of the European Union (CJEU).

4. *Tom Kabinet* case (C-263/18), 2019.

5. Communication to the public' within the meaning of Article 3(1) of Directive 2001/29.

دادگاه‌های این کشور رویکرد منعطفی در خصوص پذیرش استیفای حق دیجیتال (Digital Exhaustion) دارند (Perzanowski & Schultz, 2010: 58). در حوزه حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه حقوق مالکیت ادبی و هنری، با برخی محدودیت‌ها و استثناهایی مواجه هستیم. مراد از محدودیت‌ها این است که برخی از پدیده‌ها و آثار فکری از دایره حمایتی خارج شده، برای پدیدآورندگان آنها حمایت قانونی در نظر گرفته نمی‌شود. بر مبنای استثناهایی در برخی موارد، اشخاص از اختیار قانونی برای بهره‌برداری‌های خاصی از اثر بدون نیاز به اخذ اجازه از صاحب آن برخوردارند (حبیب‌اشاکری، ۱۳۹۱: ۴۰-۳۹). هرچند اصل تعداد محدود نیز نوعی محدودیت برای صاحبان آثار پدیده‌های فکری به‌شمار می‌رود، لیکن محدودیت‌ها و استثناهای پیش‌گفته تفاوت موضوعی با این اصل مزبور دارد؛ چراکه محدودیت‌ها و استثناهای موصوف بر عدم حمایت قانونی از پدیده فکری به‌طور کلی یا جزئی دلالت دارند، درحالی که در اصل تعداد محدود، بحث بر مدار تجزیه‌پذیری و استانداردسازی منافع مالکان اموال فکری و ایجاد علاقه‌های حقوقی جدید در داخل محدوده حمایتی مقررشده از سوی قانون‌گذار است.

نتیجه

در چند دهه اخیر مالکیت‌گرایی یکی از تحولات چشمگیر در حوزه حقوق مالکیت فکری شده است و بر مبنای آن سعی می‌شود مبانی منطقی و توجیهی مالکیت مرسوم و نیز احکام و قواعد آن بر مالکیت فکری نیز تسری یابد. با عنایت به مبانی توجیهی که برای اصل تعداد محدود مورد اشاره قرار گرفت و از آنجایی که حقوق عینی برخلاف حقوق دینی بر علیه تعداد نامعین و نامشخصی از اشخاص قابلیت اعمال دارد و با ایجاد هر حق عینی جدید، در واقع، محدودیتی در عالم برای دیگران ایجاد می‌شود که از آن به‌خوبی علیه جهان نیز یاد شده است؛ لذا اعمال این اصل در حوزه حقوق عینی، اعم از مالکیت، ضرورت دارد. چه اینکه اعمال اصل یادشده یکی از اصول مسلم در مالکیت بر اموال فیزیکی به‌شمار می‌رود. لذا حتی اگر حقوق مالکیت فکری را حق عینی بدون مالکیت بدانیم، باز هم اعمال اصل پیش‌گفته موضوعیت خواهد داشت. با وجود این، مشخص گردید برخلاف مالکیت بر اموال فیزیکی، اصل تعداد محدود در حوزه حقوق مالکیت فکری صرفاً در مورد قالب‌های اصلی مالکیتی اعمال می‌شود و در خصوص حقوق فرعی برگرفته از قالب‌های اصلی مالکیتی اعمال نمی‌گردد. هرچند با توجه به وضعیت خاص اموال فکری و تحولات سریع و مستمر موجود در این حوزه، اعمال یکنواخت و کامل اصل تعداد محدود، محدودیت‌هایی را برای مالکان این گونه آثار به‌دنبال خواهد داشت و قابل توصیه نیست، لیکن اعمال دکترین استیفای حق به‌عنوان یکی از شقوق اصل تعداد محدود، در مالکیت ادبی و هنری خصوصاً در مورد آثار اشتقاقی و فضای دیجیتالی ضرورت دارد. به هر روی، اعمال اصل تعداد محدود و استانداردسازی علاقه‌های حقوق مالکیت فکری تا نقطه‌ای مفید خواهد

بود که بین هزینه‌های ناشی از محدود کردن مالکان اموال فکری در ایجاد علاقه‌های مالکیتی جدید و منافع ناشی از اعمال اصل تعداد محدود، تعادل برقرار باشد. هرچه مالکیت‌گرایی در حوزه حقوق مالکیت فکری پررنگ‌تر شود، اعمال اصل تعداد محدود در این حوزه ضرورت بیشتری خواهد یافت.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

– کتاب‌ها

۱. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۸۹). دکترین استیفای حق در حقوق مالکیت فکری، تهران: انتشارات سمت.
۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). اموال و مالکیت، ج ۸، تهران: نشر میزان.

– مقاله‌ها

۳. پیلوار، رحیم و صفری، حاتمه (۱۳۹۹). قلمرو آزادی اراده در ایجاد حقوق عینی جدید از منظر حقوق اموال و مالکیت و ثبت. *مجله حقوق اسلامی*، سال ۱۶، شماره ۶۵.
۴. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۱). مبحثی در محدودیتها و استثنائات حقوق مالکیت ادبی و هنری. *مطالعات حقوق تطبیقی*، شماره ۱.
۵. جعفری‌تبار، حسن (۱۳۸۶). ملک معنی در کنار گفتاری در فلسفه حقوق مالکیت فکری. *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۲.
۶. قنواتی، جلیل و شیرخانی، پوریا (۱۳۹۶). بررسی مفهوم توقیفی بودن حقوق عینی: مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، آلمان، اسپانیا و حقوق اسلامی. *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال ۴، شماره ۲.
۷. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۵). مالکیت در اسلام. *مجله تحقیقات اسلامی*، شماره ۱.
۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۷). تحلیل فقهی مالکیت ادبی و هنری. *مجموعه مقالات همایش بررسی تحلیلی و انتقادی لایحه حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، فرهنگستان علوم*.

– رساله

۹. صاحب، طیبه (۱۳۸۹). *مبانی حقوق مالکیت فکری از دیدگاه اقتصادی*، رساله دکتری دانشگاه تهران.

ب) خارجی

- Book

1. Reboul-Maupin, Nadège (2008). *Droit des biens*, Paris: Dalloz, 2ième éd.

- Articles

2. Akkermans, Bram (2015). The Numerus Clausus of Property Rights. *Maastricht European Private Law Institute Working Paper No. 2015/10*.
3. Alschuler, Albert W. (1996). Rediscovering Blackstone. 145 U. PA. L. REV. 1, 37, 43.

4. Baffi, Enrico (2008-2009). The Anticommons and the Problem of the Numerus Clausus of Property Rights (2007). In *Property, A Legal Paradigm*. edited by Ramakistaiah. Jilla, the Ifcai University Press.
5. Bell, Abraham and Parchomovsky, Gideon (2005). A Theory of Property. *Cornell Law Review*, Vol. 90, p. 531, 2005, U of Penn, Inst. for Law & Econ Research Paper 04-05.
6. Bell, Abraham and Parchomovsky, Gideon (2004). what property is?. *ILE research paper*, No. 04-05.
7. Davidson, Nestor M. (2008). Standardization and Pluralism in Property Law. *61 Vand. L. Rev.*
8. Hart, Henry M., JR. & Sacks, Albert M., Eskridge, William N., Jr. & Philip P. Frickey Ed. (1995). The legal process: Basic Problems in the making and application of law. *Foundation Press*.
9. Hansmann, Henry & Kraakman, Reinier (2002). Property, Contract, and Verification: The Numerus Clausus Problem and the Divisibility of Rights. *31 J. LEGAL STUD.*
10. Heller, Michael A (1999). The Boundaries of Private Property. *The Yale Law Journal*, Vol. 108.
11. Hohfeld, Wesley N. (1917). Fundamental Legal Conceptions as Applied in Legal Reasoning. *26 Yale Law.*
12. Hovenkamp, Herbert (2011). Post-Sale Restraints and Competitive Harm: The First Sale Doctrine in Perspective. *66 N.Y.U. ANN. SURV. Am. L.*
13. Lemley, Mark Am (1997). "Dealing with Overlapping Copyrights on the Internet", *22 U. DAYTON L. REV.*
14. Merrill, Thomas W. & Smith, Henry E. (2000). Optimal Standardization in the Law of Property: The Numerus Clausus Principle. *110 YALE L.J.* 1, 23.
15. Mulligan, Christina (2013). A Numerus Clausus Principle for Intellectual Property. *80 Tenn. L. Rev.*
16. Parisi, Francesco (2002). Entropy of property. *American Journal of Comparative Law*, Vol. 50, No. 3.
17. Perzanowski, Aaron K. & Schultz, Jason (2011). Digital Exhaustion. *UCLA law review*, University of California, Los Angeles. School of Law.
18. Rudden, Bernard (1987). Economic Theory v. Property Law: The Numerus Clausus Problem. *Oxford Essays on Jurisprudence* (J. Eekelaar & J. Bell eds., 3d ed).
19. Sganga, Caterina (2021). Digital Exhaustion after Tom Kabinet: A Non-exhausted Debate. *EU Internet Law in the Digital Single Market*, Springer.

- Thesis

20. Akkermans, Bram (2008). The Principle of Numerus Clausus in European Property law, Doctoral Dissertation, Maastricht University.

- Websites

21. <https://www.microsoft.com/enus/download/details.aspx?id=13653>(last visited Nov.17, 2021).
22. https://curia.europa.eu/juris/document/document.jsf?text=&docid=221807&pageI ndex=0&doclang=EN#Footnote*(last visited Nov.21, 2021).